

بررسی مقاله جایگاه «خدیجه» در دایرة المعارف قرآن لیدن*

سکینه آخوند**

چکیده

مقاله «خدیجه» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دایرة المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. وی با استناد به منابع اهل سنت ابتدا به معرفی حضرت خدیجه رضی الله عنها پرداخته و بعد از بیان ویژگی های او به چگونگی ازدواج خدیجه با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می پردازد و در ادامه به حمایت های مادی و معنوی او از پیامبر، اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه مرتبط شده و جایگاه خدیجه در بین زنان برگزیده اشاره می نماید.

نویسنده این نوشتار، به رغم مراجعه به منابع متعدد، به دلیل استناد به منابع اهل سنت و منابع محدودی از مستشرقان دچار کاستی و اشتباهاتی شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی ناسازگاری دارد. این نوشتار در صدد است با بررسی این مقاله، مطالب آن را با استناد به منابع معتبر اسلامی نقد نموده و جایگاه حضرت خدیجه رضی الله عنها نزد مسلمانان را کاملاً تبیین نماید.

واژگان کلیدی: قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، خدیجه رضی الله عنها، مستشرقان، دایرة المعارف قرآن لیدن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲.

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن: s.akhoond@yahoo.com

مقدمه

همسران پیامبر به جهت نزدیکی با حضرت محمد ﷺ و به لحاظ توجه خاصی که در آیات قرآن به آنها شده است، موضوع بسیاری از مقالات و پژوهش‌های مسلمانان و مستشرقان می‌باشد. از جمله همسران پیامبر حضرت خدیجه ﷺ است که به عنوان اولین همسر پیامبر جایگاه خاصی دارد. مقاله «خدیجه» اثر باربارا فریر استوارس در جلد دوم دایره المعارف قرآن لایدن منتشر شده است. خانم باربارا فریر استوارس متولد ۱۹۳۵ علاوه بر این مقاله دارای تألیفات دیگر مانند کتاب «Women in the Quran، زنان در قرآن» (۱۹۹۸م) و مقاله «زنان پیامبر» در دایره المعارف قرآن می‌باشد.

در این نوشتار، نویسنده بعد از بیان ویژگی‌های حضرت خدیجه ﷺ به چگونگی ازدواج خدیجه با پیامبر اسلام ﷺ پرداخته و در ادامه به حمایت‌های مادی و معنوی او از پیامبر، چگونگی اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه مرتبط شده، اشاره می‌نماید و در نهایت با توجه به آیات ۱۱-۱۲ تحریم و ۴۲ آل عمران به جایگاه خدیجه در بین زنان برگزیده - مریم، فاطمه ﷺ، خدیجه و عایشه - اشاره می‌نماید. این نوشتار شامل دو بخش است: نخست، ترجمه مقاله «خدیجه» از دائرة المعارف قرآن لایدن، شامل گزارشی کوتاه از زندگی حضرت خدیجه و جایگاه ایشان. دوم، بررسی و نقد مقاله، که مباحث مقاله در چند محور بررسی و نقد شده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود.

ترجمه مقاله

خدیجه بنت خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش، اولین همسر پیامبر، مادر تمام فرزندان او جز یکی و اولین ایمان آورنده به رسالتش می‌باشد. از آنجا که او سه سال قبل از هجرت به مدینه وفات یافته بود و با توجه به اینکه آیاتی که اختصاصاً خطاب به اعضای خانواده پیامبر بودند در مدینه نازل شدند، نام خدیجه به ندرت در متون تفسیری دیده می‌شود. با این حال نقش وی در نوع‌های ادبی سیره‌های نبوی و قصص الانبیاء و نیز در دینداری عامیانه پررنگ بوده است.

خدیجه، تاجر مکی اشرافی و ثروتمندی بود که از ازدواج قبلی‌اش صاحب دو پسر و یک دختر شده بود. آنگاه که بیوه بود، محمد ﷺ به عنوان ناظر مال التجاره در سفری تجاری به شام خدماتی به او کرده و گفته می‌شود در طول این سفر جوانی از خانواده خدیجه به نام میسر، معجزاتی از محمد ﷺ دید که انتخاب وی به نبوت را پیشگویی می‌کرد. این سفر تجاری موفقیت آمیز بود و

خدیجه، متأثر از شخصیت خوب و امانتداری محمد [ﷺ] به او پیشنهاد ازدواج داد. در منابع اهل سنت آمده است که این پیشنهاد را محمد [ﷺ] و عمویش حمزه بن عبدالمطلب به خویلد بن اسد، پدر خدیجه، دادند (Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83) یا اینکه عمر بن سعد عموی خدیجه او را به ازدواج پیامبر درآورد (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۹۹۰: ۱/۱۳۲-۱۳۳). طبق اکثر روایات، سن محمد [ﷺ] در آن زمان بیست و پنج سال و سن خدیجه چهل سال بود. او حداقل پنج فرزند برای شوهرش آورد؛ چهار دختر (زینب، ام کلثوم، فاطمه، رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم، عبدالله؛ که البته ممکن است یک فرد باشند، با اینکه الطاهر و الطیب عموماً به عنوان لقب های عبدالله پذیرفته شده‌اند (Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83).

حمایت‌های مادی، عاطفی و معنوی خدیجه در توفیق رسالت حضرت محمد [ﷺ] بسیار حائز اهمیت بود. متون تفسیری عموماً آیه ۸ ضحی را «و تو را فقیر یافت، پس بی نیاز کرد» به این ازدواج مرتبط می‌کند. خدیجه اولین تجارب معجزه‌آسای محمد [ﷺ] و به ویژه برانگیخته شدن وی به نبوت را به ورقه بن نوفل عموی مسیحی اش، گزارش داد و او این حادثه را به وحی شریعت بر موسی شبیه دانست (Ibn Ishaq-Guillaume, 83, 107)؛ همچنین مطابق با نظریه‌ای، شاید همین ورقه بن نوفل جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار حضرت محمد [ﷺ] قرار داده باشد؛ (Sprenger, Leben, I, 124-134) نک. تعلیم دهندگان پیامبر).

بر اساس اکثر روایات، خدیجه اولین کسی است که به خدا، رسول او و حقانیت پیامش ایمان آورد، یعنی او اولین پیرو پیامبر و بعد از خود حضرت محمد [ﷺ] دومین مسلمان بود. بر اساس برخی روایات، علی بن ابی طالب [علیه السلام] پسر عموی پیامبر دومین مسلمان و خدیجه سومین مسلمان بود. پیامبر تا خدیجه زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد و او همواره تکیه گاه اصلی پیامبر در جنگ‌ها علیه دشمنان مکی بود (Ibn Ishaq-Guillaume, 111-114)؛ ر.ک. مخالفت با محمد [ﷺ].

رتبه خدیجه در بین زنان برگزیده خداوند، یعنی در واقع اهمیت کیهان شناختی وی، در متون تفسیری در تفسیر آیات ۱۱-۱۲ تحریم و ۴۲ آل عمران نشان داده شده است. در سیاق آیات ۱۱-۱۲ تحریم، او به سبب خدمات بسیارش به رسالت پیامبر، هم ردیف همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران (مادر حضرت عیسی)، که هر دو اسوه‌ای برای مومنان بودند، دانسته می‌شود. درباره آیه ۴۲ آل عمران، یعنی سخن فرشتگان به مریم که خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است، نام خدیجه به طور قابل توجهی در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم، در بین چهره‌های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر - یعنی خود خدیجه، عایشه (همسر بعدی

پیامبر) و فاطمه، دختر پیامبر و خدیجه - دیده می‌شود. در این زمینه، در بسیاری از روایات در منابع تفسیری و متون قصص الانبیاء به نقل از پیامبر خاطر نشان شده است که مریم و فاطمه، خدیجه و عایشه بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشت‌اند. با اینکه روایات مربوط به گنجاندن عایشه در این گروه به لحاظ تعداد کمترند، بسیاری از روایات مربوط به سیره تصریح دارند که مریم و آسیه، خدیجه و عایشه، همگی همسران محمد [ﷺ] در بهشت خواهند بود و در آنجا عمارت بهشتی خدیجه بین خانه مریم و خانه آسیه خواهد بود (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۶/ ۳۹۳-۴۰۰؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۸/ ۴۵-۴۶؛ ابن کثیر، تفسیر قرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۲/ ۳۷۵-۳۸۳؛ استواسر، ترجمه جلیل پروین، دایرة المعارف قرآن لیدن، بی تا: ۲/ ۵۴۲ و ۵۴۳).

بررسی محتوای مقاله

مقاله «خدیجه» اثر خانم باربارا فریر استواسر در دایره المعارف لیدن دارای نکات مثبت می‌باشد که عبارتند از: ۱. تأکید بر فضائل و ویژگی‌های خدیجه از قبیل: اولین همسر پیامبر، مادر تمامی فرزندان او جز یکی از ایشان، اولین زن مسلمان به پیامبر، حمایت‌های مالی، عاطفی و معنوی خدیجه نسبت به پیامبر ﷺ و جزء زنان برگزیده عالم بودن وی؛ ۲. اشاره به تفسیر برخی آیات قرآن درباره خدیجه؛ ۳. استناد به منابع متعدد از مستشرقان و مسلمانان؛ ۴. رویکرد مثبت و نسبتاً منصفانه به این شخصیت.

با این وصف، این مقاله در نگاه کلی دارای کاستی‌ها و نکات قابل خدشه متعددی است که نیاز به بررسی و نقد دارد؛ از جمله این که، نویسنده این مقاله و بیشتر مستشرقان در شناخت اسلام و قرآن فقط به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل سنت مانند: طبقات ابن سعد، قصص الانبیاء ابن کثیر، انوار بیضاوی، تفسیر طبری، تفسیر فخر رازی مراجعه می‌کنند و خود را از منابع اصیل و غنی اهل بیت ﷺ محروم می‌سازند. این رویکرد باعث می‌شود تصویر ناقصی از اسلام و منابع اسلامی به دست آورند و در داوری، گرفتار مشکل یا لغزش شوند. ثانیاً سایر منابع ایشان در نوشتن مقاله، آثار نویسندگان غربی است که با روح اسلام بیگانه‌اند. از این رو در بررسی تفصیلی به ترتیب متن مقاله به چند محور پرداخته می‌شود.

۱- ازدواج خدیجه قبل از ازدواج وی با پیامبر ﷺ

نویسنده مقاله معتقد است که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ بیوه زنی بوده که از ازدواج قبلی اش صاحب دو پسر و یک دختر بوده است. شاید دلیل این اعتقاد، مراجعه به

کتاب‌های محدودی از اهل سنت باشد؛ این دیدگاه سست ناشی از اشتباه مورخان یا غرض ورزی برخی می‌باشد. در پاسخ باید بیان کرد که این ادعا مخدوش است و با بررسی بیشتر در منابع تاریخی و روایی آشکار می‌شود که وی هنگام ازدواج با پیامبر دوشیزه بوده، ولی مغرضان برای اینکه این فضیلت را از آن دیگران معرفی کنند وی را بیوه معرفی نموده‌اند.

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (متوفای ۳۵۲ ق) در این خصوص می‌نویسد: «بی گمان حضرت خدیجه علیها السلام به جز رسول خدا با احدی ازدواج نکرد» (کوفی، الاستغاثه، بی تا: ۱/ ۷۰) وی در ادامه سخنانش می‌گوید: خدیجه‌ای که به اتفاق مورخان و سیره‌نویسان دست ردّ به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است، چگونه صاحب درک و اندیشه‌ای احتمال دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب بنی تمیم رضایت دهد. اهل خرد و اندیشه می‌دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می‌کنند که حضرت خدیجه جز رسول خدا صلی الله علیه و آله با احدی ازدواج نکرده است (همان).

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابیطالب، از چهار چهره برجسته جهان تشیع و تسنن (بلاذری در انساب الاشراف، ابوالقاسم کوفی در الاستغاثه، سید مرتضی علم الهدی در الشافی، و شیخ طوسی در تلخیص الشافی) روایت کرده که فرموده‌اند: پیامبر اکرم هنگامی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد که وی دوشیزه بود (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۱۴۱۲: ۱/ ۲۰۶).

حسین بن حمدان خصیبی با صراحت و قاطعیت می‌نویسد: به جز رسول خدا هرگز احدی افتخار همسری خدیجه علیها السلام را پیدا نکرد، چنانکه تا خدیجه علیها السلام زنده بود پیامبر اکرم همسر دیگری برنگزید (خصیبی، الهدایة الکبری، ۱۴۲۶: ۲۰۶).

ابن شهر آشوب با توجه به دو کتاب «الأنوار» و «البدع» (الأنوار از تالیفات ابوالحسن البکری و البدع، کتاب الاستغاثه فی بدع الثلاثه از ابولقاسم کوفی است) تأکید می‌کند که رقیه و زینب دختران هاله، خواهر خدیجه بودند (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۱۴۱۲: ۱/ ۲۰۶). علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهر آشوب نقل کرده است (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱۹۱/۲۲).

در تاریخ یعقوبی ذکر شده خدیجه خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت. حضرت خدیجه که زنی ثروتمند بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر بچه‌ها در خانه پیامبر باقی ماندند و عرب می‌پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی فرزندت هست به همین جهت است که برخی مردم آنان را دختران خدیجه و محمد صلی الله علیه و آله می‌پنداشتند نه هاله» (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بی تا: ۲/ ۳۸).

سید جعفر مرتضی عاملی دو تألیف مستقل با نام‌های «بنات النبی أم ربائبه» و «القول الصائب فی اثبات الربائب» در این باره که فرزندان خدیجه، ربیبه پیامبر نبوده و فرزندان پیامبر هستند، به رشته تحریر درآورده و همچنین در کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم به تفصیل در این رابطه سخن گفته است (عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ۱۴۲۶: ۲/ ۱۲۵-۱۲۶؛ همو، بنات النبی ام ربائبه، بی تا: ۷۵-۱۲۴).

با این اوصاف چگونه می‌توان پذیرفت که خدیجه که از ازدواج با بزرگان و سران قریش خودداری نموده و خواستگاری آنان را رد کرده با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کرده است؟ چطور وقتی خدیجه با محمد امین ﷺ ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفته و او را ترک کرده‌اند؛ چون از ازدواج با اشراف و بزرگان قریش سرباز زده بود و با محمد ﷺ یتیم ابوطالب ازدواج کرده است؛ ولی در ازدواج با اعرابی او را متهم به عیب و عار نساختند؟ چگونه می‌توان پذیرفت که حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر از ناحیه قریش مورد ملامت قرار گرفته باشد، اما در ازدواج با یک اعرابی ابداً سرزنش نشده باشد؟ بنابراین شایعه ازدواج خدیجه قبل از پیامبر اکرم تحریف عمده‌ی تاریخ است برای اینکه این فضیلت را از آن دیگران معرفی نمایند.

بدین ترتیب آنچه که نویسنده مقاله درباره فرزندان خدیجه از ازدواج قبلی اش بیان داشته، قابل پذیرش نبوده و طبق مستندات، مشخص می‌شود که فرزندان خواهر وی بوده‌اند که خدیجه کفالت آنها را بر عهده گرفته بوده است.

۲- سن خدیجه در هنگام ازدواج با پیامبر

نویسنده در این مقاله بر اساس پاره‌ای از روایات اهل سنت، سن خدیجه را هنگام ازدواج با پیامبر ۴۰ سال و سن پیامبر را ۲۵ سال دانسته است. البته وقایع نگاران و مورخین اموی در مورد سنّ حضرت خدیجه، سن ۴۰ تا ۴۶ سال را نوشته‌اند، تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود. ولی قول مقبول و معقول در سنّ حضرت خدیجه همان است که بسیاری از مورخان آن را برگزیده‌اند و به طور مسلم گفته‌اند که حضرت خدیجه ۲۵ تا ۲۸ ساله بوده است.

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی بکر بن محمد عامری، متوفای ۸۹۳ ق، سنّ حضرت خدیجه را به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم ﷺ ۲۵ دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است (عامری، بهجة المحافل، بی تا: ۴۸/۱).

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق، صاحب سنن کبری، فقط همین قول را صحیح دانسته و می‌گوید: «سنّ حضرت خدیجه به هنگام وفات ۶۵ و به قولی ۵۰ بوده و سن

۵۰ سالگی صحیح تر است» (بیهقی، دلایل النبوة، ۱۴۰۵: ۷۱/۲). بر اساس مدارک تاریخی ازدواج حضرت خدیجه در سال ۲۵ عام الفیل و ۱۵ سال قبل از بعثت انجام یافته، که پیامبر اکرم در آن تاریخ ۲۵ ساله بوده و رحلت ایشان سه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت رخ داده، بدین ترتیب اگر حضرت خدیجه به هنگام ازدواج ۲۵ ساله باشد، به هنگام رحلت ۵۰ ساله خواهد بود و اگر چهل ساله باشد، به هنگام ارتحال ۶۵ ساله خواهد بود، که بیهقی ۵۰ ساله را صحیح دانسته است.

همین متن را ابن کثیر نیز از بیهقی نقل کرده است (ابن کثیر، البداية والنهاية، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۴)؛ سپس اضافه می‌کند: «پیامبر اکرم به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه ۲۵ ساله بود، حضرت خدیجه نیز در آن هنگام ۳۵ و یا ۲۵ ساله بود، بیهقی از حاکم اینگونه روایت کرده است» (همان، ۲۹۵).

قول دیگر این است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم ۲۸ ساله بوده است و این قول ابن عباس است. ذهبی از ابن عباس روایت کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳: ۱۱۱/۲).

ابن حماد حنبلی از دانشمندان معروف اهل سنت می‌نویسد: «بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده است» (الحنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بی تا: ۱/۱۴).

بلاذری در انساب الاشراف در ضمن اقوال مختلف نقل کرده که گفته شده، پیامبر ۲۳ ساله و خدیجه ۲۸ ساله بوده است (بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۲۰: ۱۰۸/۱). ابن عساکر نیز از ابن عباس نقل کرده که حضرت خدیجه ۲۸ ساله بود: «کانت خدیجه یوم تزوجها رسول الله ﷺ ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشر اوقیه» (ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۲۱: ۱۹۳/۳). حاکم نیشابوری نیز از محمد بن اسحاق نقل کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بود (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۴: ۱۸۲/۳).

۹۵ بدین ترتیب آنچه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر چهل ساله بوده، شایعه‌ای بیش نیست؛ زیرا بیهقی آن را رد کرده و ۲۵ ساله بودنش را صحیح دانسته است و حاکم آن را قول شاذ دانسته است و در نقد سخن هشام بن عروه که سن وفات حضرت خدیجه را در سن ۶۵ سالگی می‌داند می‌نویسد: «هذا قول شاذ فان الذی عندی انها لم تبلغ ستین سنة» (همان، ۱۸۲/۳) بنابراین قائل است به این که سن حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر کمتر از ۳۰ سال بوده است.

پس با توجه به اقوال و گزارشات صحیح تاریخی، آنچه مسلم است این است که سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر اکرم ۲۵ ساله و حداکثر ۲۸ ساله بوده است سن ۴۰ سال قول شاذ می باشد.

۳- خدیجه در قرآن

خانم فریر استواسر بیان می دارد که به دلیل این که خدیجه سه سال قبل از هجرت در گذشته بود و از طرفی آیات مربوط به خانواده پیامبر ﷺ در مدینه نازل شده، پس در متون تفسیری نام خدیجه به ندرت دیده می شود و فقط آیه ۸ سوره ضحی ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ را در مورد ازدواج خدیجه و پیامبر ﷺ دانسته و آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم و ۴۲ آل عمران نیز در مورد فضایل خدیجه تفسیر شده است.

بیان نویسنده مقاله حاکی از این است که وی استقصای کاملی در آیات و تفاسیر قرآن نداشته است، زیرا علاوه بر آیه ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ (ضحی / ۸)؛ «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود» که طبق تفاسیر عامه و خاصه و روایات اهل بیت ﷺ تصریح شده که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر قرار داد، آیات متعدد دیگری نیز در شأن حضرت خدیجه تفسیر شده اند از جمله:

۱. آیه ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان / ۷۴)؛ و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» مطابق با احادیثی که از پیامبر نقل شده منظور از «ازواجنا» درآیه شریفه حضرت خدیجه ﷺ است.

محمد بن عباس از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم فرمود: از جبرئیل پرسیدم؛ مراد از ﴿أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا﴾ کیست؟ گفت خدیجه و فاطمه ﷺ «و قُرَّةَ أَعْيُنٍ» حسن و حسین ﷺ و منظور از ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ علی بن ابیطالب ﷺ است (بروجردی، تفسیر جامع، ۱۳۶۶: ۵۵/۵).

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرامی در تفسیر این آیه فرمود: پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم منظور از «ازواجنا» کیست؟ پاسخ داد: خدیجه [ﷺ] است؛ و «ذریاتنا» فاطمه و دو نور دیده اش حسن و حسین [ﷺ] هستند و در جمله «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» منظور حضرت علی [ﷺ] است (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۴۱۱: ۱/۴۱۶). علامه مجلسی نیز شبیه همین روایت را ذکر نموده اند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۶۶/۲۶۳).

تفسیر قمی معتقد است که منظور از واژه «ازواجنا» در آیه مورد بحث، حضرت خدیجه است (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۱۱۷/۲). فیض کاشانی نیز در تاویل آیه می‌نویسد: «منظور از آن، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر، خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار پیامبر از او است» (فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، بی تا: ۹۸۶/۲).

۲. ذیل آیات ۱۸ تا ۲۸ سوره مطففین از پیامبر در تفسیر و بیان مصداق «مقربون» نقل شده است: «مقربان بارگاه خدا عبارتند از: پیامبر، امیر مومنان علیه السلام، امامان اهل بیت علیهم السلام که پس از علی علیه السلام یکی پس از دیگری خواهد آمد، فاطمه علیها السلام دختر رسول الله و خدیجه بنت خویلد» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۳/۲۴).

۳. همچنین در تفسیر قمی آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ (واقع/ ۱۰ و ۱۱)؛ «پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند!» به رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه و علی بن ابیطالب علیهما السلام و ذریه ایشان تفسیر شده است (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۴۳۹/۲).

۴. علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» (محمد/ ۱۹)؛ «پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان». نقل می‌کند «مراد از مومنین علی علیه السلام و اصحاب پیامبر و مراد از مومنات خدیجه علیها السلام می‌باشد» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۳۲۱/۲۴).

۵- ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ (آل عمران/ ۳۳) «به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان آل عمران را بر مردم جهان برتری داده است». فرات کوفی نقل کرده: پیامبر اکرم بر حضرت فاطمه علیها السلام و عایشه وارد شد در حالی که بر یکدیگر افتخار می‌کردند و صورتشان برافروخته بود، پس پیامبر از حال ایشان جويا شده و ایشان بیان کردند. پیامبر فرمود: «یا عایشه او ما علمت ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و علیاً و الحسن و الحسین و حمزه و جعفرأ و فاطمه و خدیجه علی العالمین»؛ ای عایشه آیا نمی‌دانی که خدا آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، وجود امیرالمومنین، حسن و حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه علیهم السلام را بر جهانیان برگزید (فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۶۳/۷۳).

بدین ترتیب اگرچه حضرت خدیجه علیها السلام سه سال پیش از هجرت از دنیا رفته و آیات مربوط به همسران پیامبر در مدینه نازل شده، ولی با استقصای کامل می‌توان یافت آیات متعددی از جانب پیامبر گرامی در باره این شخصیت کم نظیر تفسیر شده است.

۴. جایگاه خدیجه در بین زنان برگزیده عالم

خانم استواسر در ذیل آیه ۴۲ آل عمران و برگزیده شدن مریم بر زنان عالم، به نام و رتبه خدیجه در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم در بین چهره‌های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر - یعنی خود خدیجه، عایشه و فاطمه، دختر پیامبر و خدیجه - اشاره می‌کند و کوشش نموده با استناد به تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه مذکور، به عایشه همسر دیگر پیامبر توجه دهد در صورتی که روایات ذیل آیه تنها به جایگاه حضرت خدیجه اشاره دارند.

در ذیل آیه ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/ ۴۲)؛ «و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است»، مخاطب در این برتری کمال و پاکی، حضرت مریم می‌باشد؛ لیکن روایات تفسیری گویای این واقعیت است که مصداق دیگر این آیه حضرت خدیجه علیها السلام می‌باشند. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است: «فضلت خدیجه علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین»؛ همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه نیز بر زنان امت من برتری داده شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۵۶/۲).

غالب تفاسیر اهل سنت نیز در ذیل آیات مربوط به اصطفا‌ی مریم، به برگزیده بودن حضرت خدیجه اشاره دارند نه عایشه. زمخشری در تفسیر خود از پیامبر نقل می‌کند: «کَمَلٌ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسِيَّةُ بِنْتِ مِرْحَمٍ أَمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ علیها السلام» (زمخشری، الکشاف، بی تا: ۴/۵۷۳)؛ بسیاری از مردان در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان این چهار زن نمونه رشد و اوج هستند: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه بنت محمد علیها السلام.

آلوسی از ابن عباس از رسول خدا نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «أَرْبَعٌ نِسْوَةٌ لِيَكُنَّ أَهْلَ عِلْمٍ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ عِمْرَانَ»؛ «چهار زن سالار زنان روزگار شدند، مریم بنت عمران، آسیه بنت مزاحم، خدیجه و فاطمه و افضل ترین آن‌ها فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد» (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۰۵: ۳/۱۵۵؛ طبری شافعی، ذخائر العقبی، ۱۳۵۶: ۴۴؛ سیوطی، درالمنثور، ۱۴۰۴: ۲/۲۳).

قرطبی نیز با استناد به سخن ابن عباس از پیامبر که فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ علیها السلام وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مِرْحَمٍ؛ برترین و پرفضیلت‌ترین زنان بهشت عبارتند از: خدیجه، فاطمه بنت محمد علیها السلام، مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم»

(قرطبی، جامع لاحکام القرآن، بی تا: ۸۲/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۹/۴۳) می نویسد: ظاهر قرآن و احادیث اقتضا می کند که حضرت مریم از تمام زنان برتر و پس از آن فاطمه و سپس خدیجه و بعد آسیه باشد (همان، ۸۳/۴). و در این بین سخنی از عایشه به میان نیاورده است. ابن کثیر یکی دیگر از مفسران اهل سنت به نقل از صحیحین، از علی بن ابیطالب رضی الله عنه نقل کرده: «سمعت رسول الله ﷺ یقول: خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجه بنت خویلد»؛ بهترین زنان بهشت مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد هستند (ابن کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۴/۲). همین عبارت از طبری و بغوی نیز نقل شده است (بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۴۳۸/۱؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۸۰/۳).

همچنین بغوی از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمودند: «حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امراة فرعون»؛ از زنان عالم مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون تو را کفایت می کند (بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱). بنابراین با تتبع در تفاسیر روایی و کتب تفسیری متقدم اهل سنت (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۴۳۸/۱؛ ماتریدی، تاویلات اهل السنه، ۱۴۲۶: ۳۶۸/۲؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۷۹-۱۸۱/۳) می توان به این نتیجه دست یافت که در ذیل آیه ۴۲ آل عمران، از بین همسران پیامبر ﷺ فقط به برتری خدیجه در بین زنان عالم اشاره شده است و نامی از عایشه نیامده است. مشخص نیست که نویسنده مقاله به استناد کدام تفسیر این مطلب را دریافته است، مگر اینکه به کتب سیره و قصص مراجعه نموده باشد که در مقابل روایات صادره از پیامبر جایگاهی نخواهد داشت. در ذیل آیات ۱۱-۱۲ تحریم، در بیان جایگاه الگویی آسیه همسر فرعون و حضرت مریم رضی الله عنها نیز روایات تفسیری عموماً به جایگاه حضرت خدیجه و برگزیده بودن او به همراه آسیه، مریم و حضرت فاطمه اشاره دارد و سخنی از عایشه، همسر دیگر پیامبر به میان نیامده است. در تفاسیر اهل سنت نیز همان روایات فوق الذکر بیان شده و فقط به خدیجه به عنوان همسر برگزیده پیامبر با زنان بهشتی اشاره شده است (بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۱۲۴/۵؛ سیوطی، درالمنثور، ۱۴۰۴: ۲۴۶/۶).

۵. جایگاه خدیجه در بهشت

در انتهای مقاله نگارنده به نقل از برخی تفاسیر اهل سنت و متون قصص، به روایاتی در منزلت خدیجه از قول پیامبر اشاره دارد که مریم، فاطمه، خدیجه و عایشه را بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشت می داند که این سخن نیز نیاز به بررسی دارد.

نگارنده مقاله گرچه به کم بودن تعداد روایات مربوط به گنجاندن عایشه در بین بهترین زنان عالم اشاره کرده است؛ ولی در عین حال سعی نموده با توجه به کتاب‌های سیره، مقام و منزلت عایشه را در کنار خدیجه تأکید و اثبات کند. این در صورتی است که کتب سیره و تفسیر، همه در مورد جایگاه خدیجه و برتری او بر تمام زنان عالم و تمام همسران پیامبر، از زبان پیامبر تأکید و تصریح دارند و اشاره‌ای به جایگاه همسران دیگر پیامبر ندارند. روایات ذیل برتری حضرت خدیجه را در جهان و در بهشت بر سایر زنان بیان می‌کند:

- برید در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، هنگام رحلت حضرت خدیجه، فاطمه علیها السلام که در حدود پنج سال داشت شدیداً بی‌تابی می‌کرد و به دور پدر بزرگوارش می‌چرخید و می‌گفت: پدر جان! مادرم کجاست؟ پس جبرئیل نازل شد و فرمود: یا رسول‌الله! خداوند می‌فرماید: سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم بنت عمران زندگی می‌کند (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۱۰: ۲/۲۷۷).

- ابن حجر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی با سند نیکو فرموده است: «لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَي نِسَاءِ أُمَّتِي»؛ «خدیجه بر بانوان امت من برتری یافته است». با این حدیث، برتری خدیجه بر عایشه استدلال شده است (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بی‌تا: ۷/۱۳۵؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ۱۴۲۱: ۷۴/۱۳۹). همچنین می‌نویسد: پیامبر اکرم در حدیثی صحیح السند فرموده است: «افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم و مریم بنت عمران؛ برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه‌اند» (ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تميز الصحابه، ۱۴۱۵: ۴/۳۶۶؛ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۴: ۲/۲۹۷) آنگاه می‌گوید: این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بی‌تا: ۷/۱۳۵). ابن عساکر نیز برترین بانوان بهشتی را خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد می‌داند (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ۱۴۲۱: ۷۴/۸۴).

- ابن کثیر نیز شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه را برشمرده، سپس می‌گوید: «برخی از اهل سنت غلو می‌کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه تفضیل می‌دهند» (ابن کثیر، البداية والنهاية، ۱۴۰۸: ۳/۱۲۹).

بدین ترتیب با بررسی منابع اهل سنت، این مطلب به دست می‌آید که روایات بیانگر جایگاه بهشتی حضرت خدیجه در کنار حضرت مریم و آسیه و فاطمه علیها السلام است نه بیشتر از آن.

نتیجه

نوشتار حاضر با عنوان «خدیجه» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دایرة المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. نویسنده با استناد به برخی منابع اهل سنت، به بیان ویژگی‌های خدیجه و جایگاه او نسبت به پیامبر پرداخته است. ولی به رغم مراجعه به منابع متعدد، دچار کاستی و اشتباهاتی شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی و روایات تفسیری ناسازگاری دارد. از جمله این که خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر صاحب فرزندی بوده است. سن او در زمان ازدواج با پیامبر ۴۰ سال بوده و به دلیل اینکه در مکه و قبل از هجرت از دنیا رفته است، در آیات قرآن اشاره‌ای به او نشده است. و در نهایت این که او و همسر دیگر پیامبر عایشه، جزء زنان برگزیده عالم معرفی شده‌اند.

با توجه به متن مقاله، این نتیجه حاصل می‌آید که نویسنده مقاله، خانم باربارا فریر استواسر گرچه تتبع مناسبی درباره جایگاه حضرت خدیجه رضی الله عنها داشته و به ابعاد مختلف شخصیت و زندگی او اشاره کرده؛ ولی عمده مشکل این است که فقط به برخی منابع اهل تسنن و پاره‌ای منابع مستشرقان استناد کرده و به منابع شیعی و حتی منابع معتبر و متقدم اهل سنت کم توجهی نموده است و به همین دلیل در مورد این بانو مرتکب کاستی و خطا شده است و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی و تفاسیر ناسازگاری دارد؛ که با تتبع کامل در منابع تاریخی و روایی شیعه و حتی اهل سنت می‌توان این اشتباهات را برطرف نمود.

فهرست منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۲. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، الاصابه فی تميز الصحابه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، دمشق: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۷. ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه فی بدع الثلاثه، نجف: انتشارات اعلمی، ۱۳۶۸ق.
۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ق.
۱۰. بروجردي، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶ش.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۳. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۴. جین دمن مک اولیف، دایره المعارف قرآن لیدن، سرویراستار ترجمه حسین خندق آبادی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۳.
۱۵. حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، تهران: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۶ق.
۱۹. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

٢٢. طبرى شافعى، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، قاهره: مطبعه القدسى، ١٣٥٦ق.
٢٣. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٢٤. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
٢٥. عامرى، يحيى بن ابى بكر، بهجة المحافل، مدينه منوره: المكتبة العلميه، بى تا.
٢٦. عاملى، سيد جعفر مرتضى، بنات النبى ام ربائيه، تهران: موسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت عليه السلام، بى تا.
٢٧. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصّحيح من سيرة النبى الأعظم، قم: دار الحديث، ١٤٢٦ق.
٢٨. فخر رازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
٢٩. فرات كوفى، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم، تفسير فرات كوفى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١٠ق.
٣٠. فيض كاشانى، ملا محسن، علم اليقين فى اصول الدين، بيروت: دارالبلاغه، بى تا.
٣١. قرطبى، محمد بن احمد، تفسير جامع لاحكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
٣٢. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، قم: دار الكتاب، ١٣٦٧ش.
٣٣. ماتريدى، محمد بن محمد، تأويلات أهل السنة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٦ق.
٣٤. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: موسسه الوفا، ١٤٠٣ق.
٣٥. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار صادر، بى تا.

36. Encyclopaedia of the Quran

